

بررسی انتقادی برابری انتخاب ارثی، شناخت دینی و دلایل بر آمده از متون ادیان

سید عبدالله میراحمدی*

چکیده

مسئله مقاله حاضر برابری انتخاب ارثی، شناخت دینی و دلایل برآمده از متون ادیان می باشد. هدف این تحقیق نشان می دهد که انتخاب ارثی، شناخت دینی و دلایل ادیان، برابر و یکسان نیستند. روش به کار گرفته توصیف و تحلیل عقلی می باشد. یافته ها، عوض شدن گسترده دین خانوادگی و قومی، برابری ادیان را رد می کند. شناخت های برآمده از متون هر یک از ادیان با هم متفاوت و ناسازگار هستند. چنانکه عالمان هر یک از ادیان مختلف با شناخت های یکدیگر موافقت ندارند. برخی ادیان مفاهیم و شناخت های ناسازگار از درون خود ارائه می دهند. دلایل ادیان نزد عالمان دیگر معتبر نیست. دین اسلام شناخت یقینی و دلایل منطقی همراه با بررسی سخنان مختلف را ملاک انتخاب دین دانسته است. چنانچه سازگاری مفاهیم درون دینی را لازمه حقانیت آموزه های دینی دانسته است. از این رو، دین اسلام با ارائه شناخت ها و مفاهیم سازگار، دلایل بیرونی و گسترش خیره کننده برابری ادیان را رد می کند.

واژگان کلیدی

پلورالیسم دینی، دین ارثی، شناخت، مفاهیم درون دینی، دلایل ادیان.

*. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه فرهنگیان و مدرس معارف اسلامی.

۱. طرح مسئله

پیروان ادیان مختلف با آمار کم‌وزیاد در کنار یکدیگر دیده می‌شوند. اگرچه امروزه با پیشرفت خیره‌کننده رسانه‌ها پیروان ادیان، بیشتر از گذشته به چشم می‌آیند. هریک از ادیان، آداب و برنامه‌های ویژه خود را دارند. با این حال، پیروان ادیان، زندگی اجتماعی مسالمت‌آمیزی با یکدیگر دارند. به‌طور معمول، بسیاری از پیروان ادیان دین خود را ارثی و خانوادگی انتخاب کرده‌اند. گاهی عموم مردم با مشاهده پیروان ادیان دیگر نام ادیان مختلف به نظرشان می‌آید، شاید چنددینی واقعی به نظر برسد و هم انتخابی درست و پذیرفتنی دانسته شود. در این صورت، برخی رأی به برابری دین‌های مختلف بدهند. اما دیدن پیروان چند دین در یک اجتماع و معتبر دانستن دین آنها و قضاوت به برابری ادیان، مسئله‌ای مهم و سرنوشت‌ساز است؛ زیرا اصول و قواعد دینی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، نقشی اساسی و تعیین‌کننده در خوشبختی آنها دارد.

برخی متفکران دینی بر این نظرند که آگاهی‌های دینی و دلایلی که هریک از ادیان ارائه می‌دهند، از متون آنها گرفته شده است. (هیگ، ۱۳۸۶: ۲۴۸) به‌همین علت، عالمان هریک از ادیان شناخت‌های درون‌دینی و دلایل دینشان را درست و پذیرفتنی می‌دانند. در این صورت، این شناخت‌ها و دلایل ادیان با یکدیگر برابر و مساوی می‌شوند. با وجود اختلاف ادیان در متون دینی و آموزه‌های متفاوت، مساوی دانستن شناخت‌های ادیان و دلایل آنها، مسئله‌ای چالشی برای شناخت و انتخاب دین است. از این‌رو، مسئله برابری ادیان چه با انتخاب ارثی و چه درباره شناخت‌ها و دلایل آنها مطرح می‌شود. بررسی در این مسئله، با این فرضیه آغاز می‌شود: انتخاب ارثی دین، شناخت‌های دینی و دلایل ادیان با هم برابر می‌شوند. دو پرسش اساسی، برای تعیین درستی یا نادرستی این فرضیه عبارتند از یک: آیا شناخت ارثی دین، ادیان را در جایگاه برابر قرار می‌دهد؟ دو: آیا شناخت‌ها و دلایل برگرفته از متون هریک از ادیان، نشانگر برابری آنها است؟

۲. پیشینه تاریخی

پژوهشگران معتقدند، شک‌گرایی بنیادی در شناخت حقایق، سابقه در یونان باستان دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۵) همچنان که شک‌گرایی در اعتقادات دینی مانند خدا در یونان قدیم، پیروانی داشت و آموزش برابری دلایل مقابل (تکافو ادله) هم داده می‌شد. (کرمر، ۱۳۷۹: ۲۶۸) پورون الیسی که نخستین آموزش‌دهنده تکافو ادله دانسته شده، بر آن است که ذهن یک وجود در طبیعت را اثبات می‌کند، درحالی‌که اثبات نشدن این وجود در طبیعت را نیز می‌پذیرد. به این دلیل که در برابر هر گزاره، نقیض آن

قرار می‌گیرد، به طوری که این دو گزاره بر یکدیگر برتری ندارند. (کرمر، ۱۳۷۹: ۷۷؛ ژیلسون، ۱۳۹۰: ۳۸) برخی، پیرهون که هم‌زمان با اسکندر مقدونی بود را مؤسس شکاکیت پیش از آغاز مسیحیت می‌دانند. (فروغی، ۱۳۸۸: ۱ / ۶۹) برخی دیگر، بر این نظرند که کانت نیز باور به تکافو ادله در اثبات یا رد وجود خدا، جهان و نفس آدمی داشت. (ژیلسون، ۱۳۹۰: ۱۸۱) دیگر پژوهشگران، بر این عقیده‌اند که تکافو ادله به این موارد محدود نمی‌شود، چه بسا راه را برای به میان آمدن عواملی که تکلیف موضوع را روشن کند، باز بگذارد. (باربور، ۱۳۹۳: ۲۹۰)

در جهان اسلام بحث تکافو ادله و شک‌گرایی مرتبط با آن در میان مسلمانان ریشه نداشته است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱ / ۵۴) چنان‌که، پیروانی هم نداشته است. از همین رو، برخی متکلمان در آموزش عقاید دینی، به خاطر روشن کردن ذهن‌ها در قرن‌های سوم و چهارم قمری به آن پرداختند. (ابن‌عساکر، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۹؛ کرمر، ۱۳۷۵: ۶۸)

نگارنده، بر این اطمینان است که با وجود دلایل فراوان منطقی و عقلی، اعتقاد به تکافو ادله نادرست می‌باشد؛ زیرا دلایلی که برای اثبات موضوعاتی مانند خدا، به کار می‌روند یا بر بدیهیات شناختی و عقلی یا بر یقینات منطقی استوار هستند. از این رو، هنگامی که دلایل اثبات وجود خدا و دلایل رد آن را برابر بدانیم، دچار تناقض شده‌ایم؛ بدین معنا که هم اثبات کرده‌ایم خدا وجود دارد و هم، اثبات کرده‌ایم خدا وجود ندارد. روشن است که این دو گزاره در مقابل یکدیگر، هر دو درست نیستند؛ زیرا یک گزاره وجود داشتن را و گزاره دیگر، وجود نداشتن را مطرح می‌کند. اگرچه عدم یا وجود نداشتن، وجود و بودن نیست تا اینکه بگوییم عدمی هست که در مقابل وجود قرار گرفته و با آن برابر می‌شود. افزون بر این، دلیل درست و قطعی با نظر مخالف یا دلیلی که مخالف آن باشد، مساوی نمی‌شود؛ زیرا لازمه مساوی شدن دو دلیل یا دو نظر، مشابهت اجزای آنهاست، اگر اجزا مشابه شدند، یکی می‌شوند. از این رو پژوهشگران شک‌گرایی را دارای جنبه روانی، در امور شناختی و یقینی می‌دانند؛ (برنجکار، ۱۳۹۳: ۱۸۱) یعنی برخی افراد، تنها شناخت‌ها یا دلایل مرتبط با اعتقاد خود را دارند، اما هنگامی که ذهن آنان متوجه نقیض این شناخت‌ها و دلایل یا اعتقاد دیگری می‌شود، استحکام اعتقادشان فرو می‌ریزد. در اینجا ممکن است دچار شک و تردید روانی شوند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۷۰) و در نهایت، محققان معتقدند شک‌گرایی ریشه در خطاپذیری و یقینی نبودن نظریه‌ها در علوم تجربی دارد. (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۱۷۶)

۳. پیشینه تحقیق

برخی نظرمندان دینی، برآنند که عموم مردم دینشان را با بررسی و استدلال انتخاب نکرده‌اند، بلکه

براساس عوامل متعددی مانند: (تولد) ارث، محیط و فرهنگ دست به انتخاب دین زده‌اند و به آن پایبند بوده‌اند. از این رو، آموزه‌های دینی که از طریق خانواده، نسل به نسل منتقل شده‌اند را سبب موروثی شدن ادیان می‌دانند. (هیگ، ۱۳۸۶: ۹۵ - ۹۱؛ محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۳ - ۲۴۲)

برخی طرفداران کثرت‌گرایی دینی، شناخت‌های دینی و دلایل ادیان را با هم برابر دانسته، برآنند که هریک از ادیان شناخت‌ها و دلایل خاص خود را دارند. اما عالمان هریک از ادیان، این شناخت‌ها و دلایل را نمی‌پذیرند. از این رو دین منطقه‌ای است که عقل در آنجا به بن‌بست می‌رسد. (حاجی ابراهیم، ۱۳۸۳: ۱۱۵؛ خسروپناه، ۱۳۹۳: ۱۶۷؛ هیگ، ۱۳۹۰: ۲۴۶)

پژوهشگران متعددی در کتاب‌ها و مقالات بسیار که معرفی آنها در اینجا میسر نیست به کثرت‌گرایی دینی پرداخته‌اند. اما به دین‌گزینی نزد عموم مردم و تفسیرهای مختلف آن به صورت مستقل و مفصل نپرداخته‌اند. محققان، تکافو ادله را به همراه دیگر دلایل کثرت‌گرایی به صورت کوتاه در کنار سایر دلایل آن، بررسی کرده‌اند. این نوشتار چهره جدیدی از تکافو ادله با عنوان انتخاب ارثی دین که در سخن هیگ از پلورالیسم دینی وجود دارد را آشکار می‌کند. در این صورت، تفسیر جدید تکافو ادله با مفهوم‌شناسی انتخاب ارثی دین مطرح می‌شود. افزون‌براین، بیان تازه دیگری از تکافو ادله در چگونگی شناخت‌های دینی و همچنین ادله ادیان را مطرح می‌کند. در این مجال، دو تفسیر از تکافو ادله به روش توصیف و تحلیل مورد بررسی قرار می‌گیرد: اول: برابری ارثی ادیان نزد عموم مردم؛ دوم: برابری شناخت‌ها و دلایل ادیان.

۴. تفاسیر دین‌گزینی عمومی

برخی متفکران برآنند که بیشتر مردم، دین خود را برپایه شناخت و دلیل عقلی‌گزینش نمی‌کنند. همچنان‌که، دین‌یابی در میان مردم را برآمده از بررسی آگاهانه، مقایسه و قضاوت بین ادیان به همراه انتخاب یکی از آنها نمی‌دانند، (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۹۲ - ۹۱) از این رو، انتخاب دین در میان مردم را موروثی و تقلیدی می‌دانند. (سروش، ۱۳۷۶: ۱۵) اینان، دین‌گزینی در بین عموم مردم را با آمار نزدیک به صد درصد، وابسته به عوامل غیر معرفتی، مثل قومیت، فرهنگ، محیط و تاریخ می‌دانند. (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۹۲؛ محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۳)

طرفداران پلورالیسم دینی (برابری ادیان)، دین‌گزینی و دین‌داری میان عالمان هریک از ادیان را مانند عموم مردم نمی‌دانند، بلکه معتقدند عالمان و روحانیان مذاهب مختلف به حکم حکمت به اندیشه‌ای سرفروید می‌آورند. (سروش، ۱۳۷۶: ۱۵) چنانچه در ادیانی مانند یهودی و مسیحی، دلایلی

اعتقادی آمده است و افراد مؤمن براساس آن دلایل، مدعی شده‌اند که خدا وجود دارد. (هیگ، ۱۳۹۰: ۴۷) براساس این عالمان ادیان با شناخت‌ها و دلایل درون‌دینی از اعتقادات و دین خود دفاع می‌کنند. (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۶؛ خسروپناه، ۱۳۹۳: ۲ / ۱۶۷) با توجه به تفاسیر متعدد درباره دین‌گزینی در بین عموم، در این مجال اندک پرداختن به همه تفاسیر میسر نیست. از این‌رو، ابتدا به تفسیر دین‌گزینی ارثی، در ادامه به تفسیر شناخت‌های برابر از متون ادیان، سپس به تفسیر برابری دلایل ادیان و درنهایت بررسی و نقد این تفاسیر پرداخته می‌شود.

۱-۴. تفسیر دین‌گزینی ارثی

به‌طور طبیعی، خانواده محل تولد و رشد فرزندان است. پدر و مادر به یک دین اعتقاد دارند. فرزندان به مرور زمان با دین پدر و مادرشان آشنا می‌شوند. آنها دین خانوادگی را مانند زبان مادری، فرهنگ و سنت‌های خانوادگی و قومی یاد می‌گیرند. چنانچه اعتقاد به خدا و چگونگی پرستش او، اساس دین در هر خانواده است. آداب و رسوم دینی در خانواده برای فرزندان، با پیروی از پدر و مادر و سایرین انجام می‌شوند. (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۱۳۱؛ محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۳) گاهی، پدر و مادر اعتقادات دینی را به فرزندان با زبان خانواده معرفی می‌کنند. گاهی هم رفتارهای دینی را انجام می‌دهند، و برای فرزندان، برخی رفتارهای دینی مانند کمک به افراد و حفظ محیط زیست را مطرح می‌کنند. (هیگ، ۱۳۹۰: ۲۰۲)

یکی از روش‌های شناخت و انتقال دین به فرزندان، رفتارها و اعمال دینی است که پدر و مادر و اعضای خانواده انجام می‌دهند. پدر و مادر، نخستین کسانی هستند که با اعمال خود، رفتارهای دینی را به فرزندان یاد می‌دهند. برخی اعمال دینی به‌صورت مکرر و روزانه انجام می‌شوند. فرزندان با دیدن این اعمال ازسویی و با انجام آنها به پیروی از پدر و مادر ازسوی دیگر این اعمال را یادگرفته به آنها عادت می‌کنند. از اینجاست که فرزندان، دین پدر و مادرشان را می‌پذیرند. فرزندان در حالی پذیرای دین خانوادگی و اعمال و رفتارهای دینی می‌شوند که به دین دیگری شناخت ندارند و اعمال دیگر ادیان را ندیده‌اند. هیگ معتقد است عموم پیروان یک دین، چگونگی ارتباط باحقیقت غایی (خدای فلسفی) را به ارث برده‌اند. یک فرزند مسیحی در دامان مادر و پدری مسیحی، و به روش آنان با خدا ارتباط پیدا می‌کند.

از این‌رو این فرزند به احتمال زیاد در آینده مسیحی خواهد بود. (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۱۳۰) همچنان‌که، در یک خانواده مسلمان، فرزند متولدشده به روش پدر و مادر خود با خدا ارتباط دارد. در این صورت، مسیحی شدن یا مسلمان شدن در خانواده مسیحی و مسلمان امری عادی و معمول است. (همان)

از همین‌رو کسی که در خانواده مسیحی متولد شده و رشد کرده، بعید است، مسلمان شود. او سختی و پیچیدگی تغییر دین و آمار اندک هندوهای مسیحی‌شده یا آمار ناچیز مسیحیان مسلمان یا هندوشده در

اروپا را نشانه تأیید این نظر خود می‌داند. (همان) وی، تغییر دین یا نوکیشی توسط برخی افراد را انکار نمی‌کند، اما عوض کردن دین در مقایسه با انتقال دین از طریق خانواده و یک نسل به نسل (موروثی) بعدی، به لحاظ آماری را ناچیز و اندک می‌داند. (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۱۳۱؛ بیدهندی و نوروزی، ۱۳۹۰: ۴۷) از این رو، معتقد است دین خانوادگی از پدر و مادر به فرزندان و سپس به فرزندان بعدی، نسل به نسل منتقل گردیده است. (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۱۳۱؛ محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۳)

۲-۴. تفسیر داوری ارثی میان ادیان

عموم مردم، براساس دین ارثی خود به قضاوت درباره ادیان می‌پردازند. هیگ معتقد است به‌طور معمول، دین خانوادگی حقیقی به نظر می‌رسد، ما با آن هماهنگ هستیم و آن دین هم با ما هماهنگ است. (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۳؛ هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۱۳۳) شخصی که در خانواده متولد شده و زیر نظر پدر و مادر رشد یافته دین ارثی را به‌عنوان راه و حقیقت زندگی می‌یابد. از این رو دین خود را درست و قابل قبول می‌داند. در این صورت، نگاه تحسین‌برانگیز به دین خودش را مبدأ نگاه به سایر ادیان قرار می‌دهد. دین‌های دیگر را نسبت به دین خود می‌سنجد و آنها را رد یا تأیید می‌کند. اگر دینی را بیابد که شباهتی به دینش داشته باشد، آن را تأیید می‌کند، در رده بعد از دینش و بهتر از سایر ادیان ارزیابی می‌کند. (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۹۶ و ۱۳۲ - ۱۲۹) او در همین باره می‌گوید:

ما با یک قضاوت جهان شمول و آشنا روبه‌رو هستیم که افراد با بینش و نگرشی خاص شکل گرفته‌اند، و همان بینش خاص نیز معیار قضاوت در مورد همه نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های دینی دیگر است. (همان: ۱۳۰)

وی، چگونگی قضاوت براساس دین ارثی و انتقال نسل به نسل را چنین می‌داند:

این قضاوت می‌تواند به‌طور حدسی، صرفاً مانند رفتار کردن انسان مطابق شرایط رشد و نمو خویش باشد. (همان: ۱۳۲)

بنابراین عموم پیروان هر یک از ادیان ازسویی داوری به حقیقی بودن دین خود می‌کنند و ازسویی دیگر دین خود را معیار داوری درباره ادیان قرار می‌دهند. هیگ، آثار تاریخی را نشانگر نادرست دانستن ادیان و مذاهب، نزد پیروان آنها می‌داند که گاهی رفتار متعصبانه‌ای با هم داشته و گاهی هم، به خشونت در برابر یکدیگر دست می‌زدند. (خسروپناه، ۱۳۹۳: ۱۷۲) بنابر آنچه در سطرهای پیشین آمد و اینکه پلورالیسم دینی در نظر هیگ به‌معنای اعتبار یکسان ادیان است، (یندل و همکاران ۱۳۸۶: ۲۹۹) می‌توانیم این نتیجه را از نظر او به‌دست آوریم: داوری عموم مردم، براساس دین ارثی برای همه ادیان و

در میان همه ادیان است. در این صورت ادیان دارای اعتبار یکسان می‌باشند. به عبارت دیگر، پلورالیسم داوری دینی ارثی به نظر نگارنده، نزد عموم مردم واقعیت و حقانیت دارد.

۳-۴. تفسیر برابری دین‌گزینی شناختی

طرف‌داران پلورالیسم دینی بر این نظرند که هر یک از ادیان، متون خاص خود را دارند. این متون در ادیان مختلف نام‌های متفاوتی مانند تورات، انجیل و قرآن دارند. متون هر دینی، محدوده شناخت‌های آن دین را مشخص می‌کند. هر یک از ادیان مفاهیمی از درون متون خود مانند مسیح، یهوه و الله، به ایمان‌آوردگان پیشنهاد می‌دهند. هر یک از مفاهیم دینی، معنای خاصی دارد و معنای هر مفهوم از کاربرد آن در متن دین مشخصی به دست می‌آید. (هیگ، ۱۳۹۰: ۲۴۸) در این صورت، هر یک از ادیان شناخت‌هایی برای ایمان آوردن ارائه می‌دهند. این شناخت‌های دینی، تصویری در فرد ایجاد می‌کنند که اعتقاد و نگرش دینی دانسته می‌شود. (اسمارت، ۱۳۹۲ ج: ۱ / ۳۱)

طبیعی است که پیروان هر دینی، مفاهیم دینی خاص خود را در مقایسه با ادیان دیگر بیشتر می‌شناسند. از این رو، اطمینان بیشتری به دین خود دارند. (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۵) اعلامیه‌های رسمی برخی ادیان و دفاعیه‌های متفکران دینی، نشانگر شناخت عالمانه در محدوده درون دینی است. (همان: ۲۴۶ - ۲۴۵) با این حال، هیگ معتقد است شناخت‌های هر یک از ادیان با اینکه با هم تفاوت دارند، متناقض نیستند. مثال، الله در مسیحیت مفاهیم شناخته شده ندارد، بلکه هیچ سخنی درباره کلمه الله مانند بخشندگی او در مسیحیت پیدا نمی‌شود. همچنان که مسلمانان نمی‌گویند برهمن وجود ندارد زیرا این کلمه در اسلام نیست. (هیگ، ۱۳۹۰: ۲۴۸) در نتیجه، با پیشنهاد‌های مختلفی برای ایمان داشتن به صورت واقعی در ادیان مختلف روبه‌رو هستیم که با هم مخالفت ندارند. (همان: ۲۵۹) هیگ، شناخت‌های پیروان هر یک از ادیان از دین خود که به گمان او براساس تجربه دینی به دست می‌آید را برابر و مساوی می‌داند. در این صورت، توجیه هیچ کدام از پیروان ادیان از نظر شناختی بردیگری مزیتی ندارد. (حاجی‌ابراهیم، ۱۳۸۳: ۶۱) از این رو نتیجه مورد نظر او پلورالیسم دینی شناختی معتبر است.

۴-۴. تفسیر برابری دین‌گزینی استدلالی

تفسیر دیگری که در پلورالیسم دینی برخلاف تفاسیر پیشینی در این مقاله مدنظر است آشکارا یکی از بنیان‌های آن یعنی اعتقاد به تکافو ادله بین ادیان است. نظرگاه این تفسیر آن است که متفکران هر یک از ادیان، دلایل دینی خاصی را برای اثبات دین خود مطرح می‌کنند. هر دلیل در محدوده یک دین برای اثبات درستی آن دین به کار می‌رود، اما برای اثبات دین دیگر کارایی ندارد. (هیگ، ۱۳۹۰: ۲۴۶) این

نگاه، بر آن است که اندیشمندان دینی براساس شناخت حکیمانه، اندیشه دینی خاصی را با توجه به دلایل می‌پذیرند درحالی که عموم مردم چنین نیستند. (حاجی‌ابراهیم، ۱۳۸۳: ۱۱۵؛ سروش، ۱۳۷۶: ۱۵)

برخی کثرت‌گرایان همچون هیک، معتقدند دلایل هر یک از ادیان دو کارکرد دارند: یک: اثبات یک دین خاص؛ دو: مخالفت و رد ادیان دیگر. در این صورت دلایل یک دین مانند مسیحی، هم دین مسیحی را اثبات می‌کنند و هم با ادیان دیگر مانند یهودی مخالفت دارند و آنها را رد می‌کنند. عکس این حالت، این است که دلایل یکایک ادیان مخالفت با دین مسیحی داشته، آن را رد می‌کنند. به عبارت دیگر، دلایل چند دین در رد یک دین بیشتر از دلایل یک دین در رد ادیان دیگر است. بنابراین، دلایل رد یک دین، بیشتر از دلایل تأیید آن می‌باشد. (همان: ۲۴۶)

هیک معتقد است، متفکران هر یک از ادیان، دین خود را جلوه عقلانی و درست دانسته، دین‌های دیگر را جلوه غیرعقلانی و نادرست می‌دانند. به این خاطر که هر یک از ادیان و عالمان آنها، تنها دین خود را درست می‌دانند، با کثرت دلایل ادیان روبه‌رو هستیم. (همان) او، شاهد نظر خود را بحث‌های زیادی می‌داند که بین عالمان ادیان مختلف در درازای تاریخ انجام شده، هر دسته دلایل خود را مقابل دسته دیگر قرار داده‌اند. این شیوه، در میان مذاهب درونی یا مذاهب بیرونی ادیان با یکدیگر نیز وجود داشته است. بالاین حال متفکران ادیان مختلف، دلایل ادیان دیگر را نپذیرفته‌اند. (همان؛ خسروپناه، ۱۳۹۳: ۱۶۷) از این‌رو، هر کدام از آنان دلایل ویژه دین خود را کافی برای اعتبار دینشان می‌دانند. در اینجاست که عقل، راه بالاتری جز اعتراف به برابری دلایل ادیان ندارد.

به عبارت دیگر، قوت و قدرت دلایل ادیان و عالمان آنها برابر است. (یک، ۱۳۹۰: ۱۶۶؛ حاجی‌ابراهیم، ۱۳۸۳: ۹۹)

۵. نقد و بررسی دین‌گزینی ارثی

برخی لوازم و دلایل رد پلورالیسم دینی ارثی به شرح زیر می‌باشد:

۱. اگر دین‌گزینی ارثی با آمار موردنظر هیک را بپذیریم، لازم می‌آید دین خانواده‌ها، اقوام و ملت‌ها جز اندک و ناچیز تغییر نکنند. اما به گواهی تاریخ، خانواده‌ها و اقوام زیادی در گذر زمان گذشته تاکنون دینشان را تغییر داده‌اند. از جمله، اقوام و خانواده‌های اروپایی در یونان باستان پیش از ظهور حضرت عیسی علیه‌السلام، دارای خدایان متعدد قومی و خانواده‌ای بودند، (بی‌ناس، ۱۳۵۶: ۵۴) با تلاش‌های پولس که از خانواده و قوم یهود بود، دین مسیحی در روم شرقی گسترش یافت، به طوری که بیشتر خانواده‌ها در اروپا مسیحی شدند. (همان: ۴۱۰؛ شاکری، ۱۳۹۳: ۸۷) پیش از ظهور اسلام، قبایل عرب بت‌های خانوادگی و

قومی زیادی را می‌پرستیدند. (بی‌ناس، ۱۳۵۶: ۴۷۸) اما با دعوت حضرت رسول ﷺ به اسلام گرویدند و دین خانوادگی و قبیله‌ای خود را رها کردند. (همان) بنابراین، دین بت‌پرستی که خانوادگی و نادرست بود، با دعوت به دین درست؛ یعنی اسلام کنار گذاشته شد.

۲. اگر بگوییم به علت اعتماد به خانواده، فرزندان دین را ارثی پذیرفته‌اند، در این صورت، ملاک و معیار برای اعتماد به پدر و مادر نیاز است؛ زیرا تنها پدر یا مادر یا خانواده بودن در صورتی اعتمادزا است که پدر و مادر یا قوم و ملت، شناخت کافی و توانایی اثبات درستی دین ارثی را داشته باشند تا با اعتماد به آنان، پذیرش دین انجام شود. یک لازمه این استدلال، این است که فرزندان پس از بلوغ عقلی به تحقیق درباره ادیان بپردازند و دین درست را انتخاب کنند.

۳. اگر خانواده، با شناخت عمومی و انجام برخی اعمال دینی مانند ارتباط با خدا، دین را به فرزندان انتقال دهد، به دلیل عمومی بودن و سطحی بودن شناخت دینی، دچار مشکلات متعددی می‌شود، از جمله یک: به احتمال زیاد، شناخت عمومی از دین، دقیق نباشد یا نادرست باشد؛ دو: احتمال برداشت‌ها و فهم‌های نادرست به نام دین وجود دارد؛ سه: احتمال قضاوت‌های نادرست، درباره آموزه‌ها و اعمال دینی وجود دارد؛ چهار: احتمال انجام نادرست اعمال دینی هم، برای عموم وجود دارد. به عنوان مثال برخی ادیان، مانند هندوئیسم خدای واقعی ندارند، تا اعمالی را که انجام می‌دهند با او مرتبط باشد یا عمل خوردن نان و شراب (عشای ربانی) در میان مسیحیان، (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۳۲) یا انحصار خدا به قوم یهود (هیگ، ۱۳۹۰: ۲۶۹) که نتیجه آن، انجام رفتارهای نژادپرستانه است. در این صورت فرزندان هندوان، ارتباط واقعی هنگام عمل پرستش با برهمن (خدای هندوئیسم) نمی‌توانند داشته باشند. همچنان‌که، با خوردن نان و شراب به بدن و خون واقعی مسیح، تبدیل می‌شوند (هیگ، ۱۳۸۶ ب: ۳۲) و یا انحصار رابطه خدا به قوم خاص به همراه تبعیض نژادی در یهود، نزد عقل انسانی پذیرفته نیست. بنابراین، خانوادگی بودن دین به تنهایی نشانگر درستی دین خانوادگی نیست. همچنان‌که، انتقال دین به خاطر خانوادگی بودن، به تنهایی نشانگر درست بودن دین ارثی نیست.

۴. گسترش ابزارها و شناخت‌های رسانه‌ای، در جهان کنونی و افزایش روابط در بین ملت‌ها، احتمال شناخت فرزندان، درباره ادیان دیگر و یا شناخت بیشتر دین خانوادگی را افزایش می‌دهد. همچنین، بررسی و مقایسه ادیان مختلف نیز آسان‌تر می‌شود. در این حالت، احتمال انتخاب دین خانوادگی به احتمال اثبات درستی آن بستگی دارد. از این رو، اگر دین ارثی نادرست باشد، احتمال انتخاب آن ضعیف و یا صفر می‌شود.

۵. اینکه فرزندان تنها دین ارثی خود را می‌شناسند و دیگر ادیان را نمی‌شناسند، پلورالیسم دینی ارثی را ثابت نمی‌کند؛ زیرا لازمه برابر شدن دو دین، این است که هر دوی آنها شناخته شوند و از سویی دیگر

مقایسه هم بشوند تا برابر بودن آن دو ثابت شود. این در حالی است که فرزندان ادیان دیگر را نمی‌شناسند. ۶. هیک بر این نظر است که احتمال تولد فرد در یک دین هنجار و درست وجود دارد. (هیک، ۱۳۸۶ ب: ۱۳۲) در این صورت باید بپذیریم دین هنجار و درست وجود دارد، چراکه اگر دین هنجار وجود نداشته باشد، همه ادیان ناهنجار و نادرست می‌شوند. از همین رو، احتمال شناخت دین هنجار وجود دارد. در نتیجه، با شناخت دین درست و انتخاب آن، پلورالیسم دینی ارثی رد می‌شود. با بررسی و تحقیق درباره چگونگی رابطه میان شریعت‌های آسمانی می‌یابیم که جریان پیاپی این شریعت‌ها، نشانگر رابطه کثرت طولی بین آنهاست. سلسله طولی این شرایع، به همراه نسخ شریعت پیشین به وسیله شریعت پسین، گویای سرایت مفهوم دین در بین آنها می‌باشد. اما با نسخ شریعت‌های پیشین، تنها شریعتی که نسخ نشده و کامل‌ترین و جامع‌ترین دین است را می‌توان دین هنجار، درست و حقیقی دانست. از همین رو قرآن کریم شریعت پایانی را مشخص کرده است

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. (جاثیه / ۱۸)

سپس نوبت به تو رسید و ما ترا هم بر شریعتی از امر دین واقف ساختیم پس همان را پیروی کن نه هواهای کسانی را که علم ندارند.

و پیامبر اکرم ﷺ را خاتم پیامبران الهی معرفی فرموده است:

وَ لَكِنْ رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ. (احزاب / ۴۰)

بلکه فرستاده خدا و خاتم پیغمبران است

۷. برخی پژوهش‌ها، نشانگر گسترش ویژه دین اسلام، در سرتاسر جهان امروزی هستند. یکی از نتایج پژوهش انجام شده، به وسیله محققان در مرکز تحقیقاتی پیو در آمریکا، این است که تا سال ۲۰۷۰ میلادی به احتمال زیاد دین اسلام، بیشترین پیروان در جهان را خواهد داشت. این پژوهش، نیمی از مسلمانان شرق اروپا را از خانواده‌های مهاجر ندانسته، بلکه آنها را بومی آنجا می‌داند. (ایرنا، ۱۳۹۸: ۱) جان هیک، در این باره اعتراف می‌کند که دین اسلام از لحاظ عددی، پیروانش در حال افزایش است. (هیک، ۱۳۹۶ ب: ۱۲۷)

۶. نقد و بررسی داوری ارثی میان ادیان

برخی دلایل رد پلورالیسم داوری ارثی دینی درباره ادیان این گونه است:

۱. چنانچه می‌دانیم و طرفداران پلورالیسم دینی هم معترفند عموم پیروان ادیان مختلف نظرات

متفاوتی درباره دین‌ها دارند. این پیروان به دلیل اختلاف نظرهایی که دارند حاضر به تأیید نظرات مخالف خود نیستند. در این صورت با نظرات متعدد و مخالف درباره ادیان روبه‌رو هستیم. از این رو با یک داوری و قضاوت درباره ادیان ارثی روبه‌رو نیستیم تا بپذیریم همه ادیان با هم برابر و یکسان می‌شوند.

۲. اینکه دین ارثی در نظر پیروان عمومی ادیان، واقعی و حقیقی جلوه می‌کند و بر همین اساس قضاوت بین ادیان انجام می‌شود، درست نیست؛ زیرا گاهی اوقات به دلیل شناخت ناکافی یک فرد به اشتباه گمان می‌کند دینش درست است. گاهی هم، نسبت به دین درست خود دچار شک می‌شود. بنابراین، عموم مردم شناخت‌های عمیق دینی و تحقیقی ندارند. البته این دلیل مطالعه، بررسی و تحقیق توسط پیروان عمومی ادیان را نفی نمی‌کند بلکه با کوشش برای شناخت عمیق ادیان، می‌توان دین حقیقی و درست را مشخص کرد.

۳. عمومی بودن دین ارثی، ملاک قضاوت درباره ادیان قرار نمی‌گیرد، زیرا شناخت‌های عمومی درباره دین ارثی به خودی خود یقینی و اطمینان‌بخش نیستند.

۴. بر اساس آنچه تاکنون در قسمت پیشین و اینجا آمد، روشن می‌شود که قضاوت عمومی، رده‌بندی عمومی ادیان و در نهایت پلورالیسم داوری ارثی دینی، نادرست است.

۷. نقد تفسیر تکافو شناختی در ادیان

نظریه تکافو شناخت درباره ادیان به دلایل زیر نادرست است:

۱. اینکه پیروان هر یک از ادیان دین خود را می‌شناسند، پس به دین خود اعتماد دارند، سخنی نادرست است، زیرا احتمال دارد، چنین شناختی بدون بررسی و تحقیق و تعیین درستی یا نادرستی به دست آمده باشد. بنابراین، چنین شناختی به خودی خود، مورد تأیید عقل قرار نمی‌گیرد.

۲. اینکه پیروان یک دین، دین خود را بیشتر از دین‌های دیگر می‌شناسند، پس به دین خود اطمینان بیشتری دارند، در صورتی درست است که دین خود را با ادیان دیگر بررسی و مقایسه کرده باشند، تا همراه با اثبات درستی دین خودشان، بتوانند به آن اطمینان داشته باشند؛ زیرا اگر کسی دینش را بررسی نکند و دین‌های دیگر را نیز مورد شناخت، تحقیق و مقایسه قرار ندهد، به دین خودش نمی‌تواند اطمینان داشته باشد.

۳. شناخت‌هایی که از مفاهیم درون یک دین به دست می‌آیند، در صورتی که آن مفاهیم با هم سازگاری داشته باشند؛ یعنی تناقض نداشته باشند، درست و معتبر می‌باشند. همچنین، شناخت‌ها و مفاهیمی که با دلیل عقلی اثبات می‌شوند، اعتبار دارند. با بررسی مفاهیم درونی برخی ادیان، می‌توان به

ناسازگاری عقلی در بین آن مفاهیم پی برد. مثلاً در دین مسیحی، مفهوم خدای پدر با خدای پسر سازگاری ندارد (بی ناس، ۱۳۵۴: ۴۱۸؛ هیک، ۱۳۸۶ الف: ۱۶۱) در یهود، مفهوم خدا با قومیت‌گرایی یا خدائزادی ناسازگار است، (پیدایش ۱۵: ۱۸) در هندوئیسم، خدایان چندگانه که ساخته بشری هستند، با خدای برهمن که وجود واقعی ندارد، با هم ناسازگار هستند. (هیک، ۱۳۹۰: ۲۶۹؛ یندل و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴۱) در این صورت، مفاهیم درونی و پایه در این ادیان از منظر عقلی با هم سازگاری ندارند. در اینجا، می‌توانیم نتیجه بگیریم که این ادیان دارای مفاهیم درونی ناسازگار می‌باشند از این رو، این ادیان اعتبار درونی ندارند. در نهایت با وجود ناسازگاری این ادیان در مفاهیمی که در سطرهای پیشین آمد، چه از نگاه درونی و چه از نگاه بیرونی، با هم اعتبار مساوی و برابر ندارند. بنابراین، پلورالیسم شناختی در بین ادیان نادرست است.

۴. اینکه مفاهیم درونی در هر یک از ادیان، در ادیان دیگر نیامده است، دلیل بر این نیست که این مفاهیم با هم مخالفتی ندارند. به عنوان مثال درست است که کلمه الله در دین مسیحی و یهودی، به خاطر اختلاف زبان نیامده است، اما کلمات و مفاهیم مرتبط با آن: خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس یعنی تثلیث در دین مسیحی و در یهود خدای قوم یهود آمده است. (بی ناس، ۱۳۵۴: ۴۱۸؛ هیک، ۱۳۸۶ الف: ۱۶۱) در هندوئیسم هم خدای واقعی وجود ندارد. (هیک، ۱۳۹۰: ۲۶۹؛ یندل و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴۱) اما الله در اسلام مفاهیمی مانند یکتا، بی نظیر و بی مانند دارد:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. (توحید / ۵ - ۱)

بگو او الله یگانه است؛ که همه نیازمندان قصد او می‌کنند؛ نزاده و زاییده نشده، و هیچ کس همتای او نیست.

روشن است سه خدا در دین مسیحی، تنها خدای قومی در یهودی و خدایی که در هندوئیسم وجود ندارد، در کلمه، مفهوم و حتی مصداق با هم سازگاری ندارند. در نتیجه، این ناسازگاری‌ها تنها در مفاهیم این ادیان نیست، بلکه کلمات و مصداق ادیان نیز با هم ناسازگاری دارند.

۵. دین اسلام خردمندان را به پیروی از دین حق بشارت می‌هد:

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَبَابِ.

(زمر / ۱۸) همان‌هایی را که به هر سخنی گوش می‌دهند، پس بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنان هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آنان هستند صاحبان خرد

بنابراین صاحبان اندیشه از اسلام که دین حق است، پیروی می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۳۸۱)

۸. نقد تفسیر برابری دلایل در ادیان

پلورالیسم تکافو دلایل ادیان به دلایل زیر معتبر نیست:

۱. اینکه هریک از ادیان، دلایل خاصی برای خود دارند، سخنی است که نیاز به بررسی دارد؛ توضیح کوتاه اینکه بنابر منابع تاریخی و تحقیقی برخی ادیان مانند مسیحی و یهودی، کتاب آنها توسط پیامبرانشان نوشته نشده و اگر هم نوشته شده باشد، آنچه موجود است کتاب اصلی پیامبران آنان نیست، بلکه مدت‌ها پس از آن پیامبران، به‌وسیله افراد متعددی نوشته شده‌اند. (بی‌ناس، ۱۳۵۴: ۴۱۸) در این صورت، محتوای درونی در این ادیان، فهم و ادراکات بشری است. از این رو، می‌توانیم بگوییم این نوشته‌ها سندیت ندارند؛ یعنی سخن خدا (وحی) نیستند، افزون‌براین، نه پیامبران نوشته‌اند و نه تأیید کرده‌اند. هیک بر این نظر است که کتاب مقدس مسیحی، هیچ دلیل عقلی برای اثبات وجود خدا نیاورده، (هیک، ۱۳۹۰: ۱۶۱)

محققان مسلمان برآنند که قرآن کریم، دلایل زیادی برای اثبات خدا مطرح کرده است. (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۲۶۳ - ۲۶۲) قرآن کریم تنها وجود خدا را بدیهی ندانسته بلکه غیرمستقیم و مستقیم هم استدلال‌های بسیاری برای وجود خدا آورده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۶) روشن است که ادیان بشری، مانند هندوئیسم و شاخه‌های برآمده از آن، مانند بودیسم نیز حاصل فهم انسان‌ها و تجربه‌های بشری آنان است که هم ناقص‌اند، هم شناخت‌های کم‌وناچیز دارند و هم خطاپذیری بشری دارند. در نتیجه، نمی‌توان ادعا کرد هر دینی دلایل خاص خود را دارد تا جایی که دلایل ادیان را برابر دانست و از این رهگذر پلورالیسم دینی را قابل قبول به حساب آورد.

۲. اگر عالمان ادیان، تنها دین خود را عقلانی بدانند، اما هیچ‌کدام از آنها عقلانی بودن دیگر ادیان را نپذیرند، در این حالت، ادیان بدون تأیید عقلی عالمان، به حال خود باقی می‌مانند. در این صورت، ادیان در ادعای عقلانی بودن با هم برابر و مساوی نیستند تا پلورالیسم دینی عقلی تأیید شود. همین حالت برای دلایل ادیان نیز مطرح می‌شود که نتیجه آن مساوی نشدن دلایل ادیان و نادرست بودن پلورالیسم تکافو دلایل ادیان است.

۳. اگر برای هریک از ادیان، بگوییم همین که ادعا می‌کنند دلیل دارند، کافی است که همه آنها را معتبر بدانیم. در این صورت، بدون این که اعتبار ادیان اثبات شود، آنها را تأیید کرده‌ایم که قضاوتی نادرست است.

۴. قرآن کریم با اینکه وحی است، آیات خود را درخور تعقل معرفی می‌کند. (یوسف / ۲) از این رو، دعوت به تدبر در آیاتش می‌کند تا با استدلال اثبات کند از طرف خداست.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا. (نساء / ۱۷۴)

چرا در یکایک آیه‌های این قرآن دقت نمی‌کنند با اینکه اگر از ناحیه غیر خدا بود، اختلاف فراوان در آن می‌یافتند

بنابراین، استدلال و اثبات الهی بودن قرآن که همراه با شناخت یقینی است، انتخاب شریعت پایانی اسلام را با چهره درون دینی و برون دینی اطمینان بخش می‌کند.

نتیجه

براساس آنچه در این تحقیق آمد، روشن می‌شود شک‌گرایی برای شناخت و انتخاب دین، از منظر دین اسلام نادرست است. انتخاب ارثی دین، تنها در صورتی پسندیده است که همراه با شناخت یقینی و دلایل اثباتی همراه باشد. در این صورت، دین اسلام وابسته به انتخاب ارثی نیست. بنابراین، نظریه پلورالیسم انتخاب ارثی دین، ناتوان از تبیین انتقال ادیان از نسلی به نسل دیگر است. از این رو، شناخت درون دینی در صورتی نتیجه‌بخش است که سازگاری منطقی و عقلانی در میان مفاهیم دینی را اثبات کند. افزون بر این، دین اسلام شناخت یقینی، عقلی و برون دینی را پیش‌نیاز و لازم برای انتخاب و گزینش دین می‌داند. از همین رو، نظریه پلورالیسم شناخت ادیان نادرست است. درونی دانستن دلایل ادیان از طرفی، و بی‌اعتبار دانستن این دلایل برای ادیان دیگر از طرف دیگر، بی‌اعتباری دلایل ادیان را به دنبال دارد. از این رو، پلورالیسم دلایل ادیان نیز نادرست است. در پایان بنا به ضرورت‌های علمی، تربیتی و اجتماعی، تحقیق درباره پلورالیسم فرهنگ دینی، پلورالیسم تربیت دینی و پلورالیسم اخلاق دینی پیشنهاد می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۳۶۷، *تبیین کذب المفتوری*، بیروت، دارالکتب العربی.
۳. ابو حیان توحیدی، علی، ۱۳۶۶، *المقابسات*، تهران، احسن.
۴. باربور، ایان، ۱۳۹۳، *علم و دین*، ترجمه بهالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۵. برنجکار، رضا، ۱۳۹۳، *روش‌شناسی علم کلام*، تهران، انتشارات سمت.
۶. بید هندی، محمد و نوروزی، ابوذر، ۱۳۹۰، *کثرت‌گرایی دینی از نگاه نواندیشان مسلمان معاصر*، اصفهان، انتشارات بهشتیان.
۷. بی‌ناس، جان، ۱۳۵۴، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، چاپخانه پیروز.

بررسی انتقادی برابری انتخاب ارثی، شناخت دینی و دلایل بر آمده از متون ادیان □ ۱۲۷

۸. حاجی ابراهیم، رضا و میراحمدی، عبدالله، ۱۳۹۶، نقد و بررسی تکثرادیان در عصر ظهور با تأکید بر مقوله نجات، قم، *انتظار موعود*، ش ۵۶، ص ۷۴ - ۵۵.
۹. حاجی ابراهیم، رضا، ۱۳۸۳، *رساله رستگاری و نجات از منظر عقل و نقل*، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸، *نتایج تحقیق موسسه پیو*، تهران، گسترش ادیان.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۳، *مسائل کلامی جدید*، ج ۱ و ۲، قم، نشر المصطفی.
۱۲. ژیلسون، اتین، ۱۳۹۰، *نقد تفکر فلسفی غرب*، ترجمه احمد احمدی، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۶، *پاسخ به شبهات پلورالیسم دینیکیان*، ش ۳۷، تهران، انتشارات کیان.
۱۴. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۷، *صراط‌های مستقیم*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ش ۳۶، ص ۱۶ - ۲۰.
۱۵. شاکری زواردهی، روح‌الله، ۱۳۹۳، *مهدویت و آینده جهان*، قم، دفتر نشر معارف.
۱۶. عهدین، ۱۳۸۷، *کتاب مقدس*، ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران، تهران.
۱۷. فروغی، محمدعلی، ۱۳۸۸، *سیر حکمت در اروپا*، تهران، انتشارات زوار.
۱۸. کرمر، جوئل، ۱۳۷۵، *احیای فرهنگی در عهد آلبویه*، ترجمه محمدسعید حنایی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. کرمر، جوئل، ۱۳۷۹، *فلسفه در عصر رنسانس اسلامی*، ترجمه محمد سعید حنایی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۰. محمدرضایی، محمد و دیگران، ۱۳۸۸، *جستارهایی در کلام جدید*، قم، انتشارات شریعت.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۵، *آموزش فلسفه*، ج ۱، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۸، *متنطق و شناخت‌شناسی*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی.
۲۳. هیک، جان هارولد، ۱۳۸۶ (الف)، *اسطوره تجسد خدا*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی و محمدحسن محمدی مظفر، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.
۲۴. هیک، جان هارولد، ۱۳۸۶ (ب)، *مباحث پلورالیسم دینی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر علم.
۲۵. هیک، جان هارولد، ۱۳۹۰، *فلسفه دین*، ترجمه بهرام سالکی، تهران، انتشارات الهدی.
۲۶. هیک، جان هارولد، ۱۳۹۶، *میان شک و ایمان*، ترجمه ادیب فروتن، تهران، انتشارات ققنوس.
۲۷. یندل و دیگران، ۱۳۸۶، *فلسفه دین*، ترجمه حسینی، سیدمرتضی و دیگران، مشهد، انتشارات رضوی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی